

Identifying and Analyzing Factors Affecting Subjective Poverty in Iran

Ali azin

PhD student in Economics, University of Qom,
Qom, Iran

Seyed hadi arabi *

Associate Professor, Department of Economics,
University of Qom, Qom, Iran

Mohammad hasan maleki

Professor, Department of Management, Qom
University, Qom, Iran

Abstract

The current research tries to identify and analyze the factors affecting subjective poverty in Iran. In terms of orientation, the current research is applied, and in terms of methodology, it is mixed-method quantitative. The theoretical population of the research involves experts in the field of subjective poverty, and the sampling method is judgmental. The data was collected through two questionnaires: an expert evaluation questionnaire and a prioritization questionnaire. In the first step, 36 factors were obtained through literature review and interviews with experts. These factors were screened by distributing a questionnaire distribution and the fuzzy Delphi method. Thirteen factors had a defuzzified value higher than 0.65 and were selected for final prioritization. The screened factors were ranked using the Marcus method by distributing prioritization questionnaires. The factors affecting subjective poverty in Iran, based on the Marcus method output, include personality traits, economic inequality, online social networks, social anomie, and unemployment. The findings indicate that personality traits such as self-esteem and hope for the future, along with other factors such as economic inequalities and active participation in online social networks, can contribute to subjective poverty in society.

keywords: subjective poverty, types of poverty, personality factors, economic inequality, fuzzy Delphi, Marcus

JEL Classification: I31,I32

* Corresponding Author: hadiarabi1340@gmail.com

شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر فقر ذهنی در ایران

دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران

علی آذین 

دانشیار، گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران

سید هادی عربی* 

استاد، گروه مدیریت، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران

محمد حسن ملکی 

چکیده

تحقیق حاضر به دنبال شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر فقر ذهنی در ایران است. تحقیق حاضر از نظر جهت گیری، کاربردی بوده و از حیث روش شناسی، کمی چند گانه است. جامعه نظری پژوهش، خبرگان بحث فقر ذهنی بوده و روش نمونه گیری، قضاوتی است. برای گردآوری داده ها از دو پرسشنامه خبره سنجی و اولویت سنجی استفاده شد. در گام اول، ۳۶ عامل از طریق مرور پیشینه و مصاحبه با خبرگان بدست آمد. این عوامل با بکارگیری توزیع پرسشنامه و روش دلفی فاز اول غربال شدند. ۱۳ عامل دارای عدد دیفازی بالاتر از ۰/۶۵ بودند و برای اولویت بندی نهایی انتخاب شدند. عوامل غربال شده با توزیع پرسشنامه های اولویت سنجی با روش مارکوس رتبه بندی شد. عوامل مؤثر بر فقر ذهنی در ایران بر اساس خروجی روش مارکوس عبارت بودند از: عوامل شخصیتی، نابرابری اقتصادی، شبکه های اجتماعی آنلاین، بی هویتی اجتماعی و بیکاری. یافته ها نشان می دهد عوامل شخصیتی مانند عزت نفس، امید به آینده در کنار عواملی دیگر مانند نابرابری های اقتصادی و حضور فعال در شبکه های اجتماعی آنلاین می تواند بر فقر ذهنی جامعه تأثیر گذار باشد.

واژگان کلیدی: فقر ذهنی، انواع فقر، عوامل شخصیتی، نابرابری اقتصادی، دلفی فاز اول، مارکوس

طبقه بندی JEL: I31, I32

مقدمه

فقر شاید در نگاه اول یک پدیده اقتصادی باشد اما بخاطر تبعات فرهنگی و اجتماعی گسترده آن مورد توجه رشته های دیگر علوم انسانی مانند جامعه شناسی و روانشناسی نیز قرار گرفته است. یکی از مهمترین اهداف دولت ها برطرف کردن فقر و رسیدن به راههای کاهش آن بوده است. گسترش فقر در یک کشور می تواند تبعات اجتماعی زیادی داشته باشد و سرمایه ی انسانی کشور را دچار رکود کند. امروزه با گسترش فضای مجازی و توسعه شبکه های اجتماعی و تفاوت در سبک زندگی فقر تنها یک مسئله اقتصادی نیست به این معنا که فقر تنها معلول عوامل اقتصادی نیست و عوامل دیگر نیز بر فقر اثر دارد از طرفی پیامدها و تبعات فقر نیز تنها حیطه اقتصادی را در بر نمی گیرد. آنچه مسلم است پدیده ی فقر هم تبعات اجتماعی، فرهنگی و حتی امنیتی دارد

و هم اجتماع، فرهنگ، فضای مجازی و سیاست در یک جامعه نیز بر فقر تأثیر گذار است یعنی فقر نه خود صرفاً معلولی اقتصادی است و نه منحصرأ علت برای پدیده های اقتصادی است، از این رو باید به مسئله ی فقر نگاهی جامع داشت تا بتوان ابعاد مختلف آن را بررسی کرد.

از نیمه دوم قرن بیستم توجه به بحث های رفاه ذهنی بیشتر مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و اقتصاددانان به دنبال پاسخ این سؤال بودند که آیا لزوماً افزایش درآمد ملی موجب افزایش نشاط و رفاه مردم می شود یا خیر؟ (Bray et al., 2020) یکی از دلایل اهمیت بررسی فقر ذهنی، تأثیرات گسترده آن بر عملکرد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع است. به عنوان مثال، فقر ذهنی می تواند منجر به کاهش انگیزه کاری، افزایش فساد اداری و مالی، و حتی بروز ناامنی های اجتماعی شود فقر ذهنی زیاد باعث مهاجرت نیروی کار در کشور می شود (Diallo, 2022) همچنین، این پدیده می تواند بر تصمیمات افراد در حوزه های مختلفی مانند مهاجرت، باروری و مشارکت اجتماعی تأثیر بگذارد. (سلیمانی و همکاران، ۲۰۱۹) فقر ذهنی بر عملکرد نیروی کار نیز تأثیر منفی دارد (حبیبی و همکاران، ۲۰۲۱) هرچه رفاه ذهنی جامعه کمتر باشد، نیروی کار انگیزه کمتری برای کار کردن دارد، فساد مالی بیشتر می شود؛ از بعد امنیتی هم فقر ذهنی می تواند منجر به اعتراض و اغتشاش و ناامنی در جامعه شود علاوه بر این، مطالعات متعددی نشان داده اند که فقر ذهنی می تواند بر سلامت روان افراد تأثیر منفی بگذارد. به عنوان مثال، یکی از پژوهش ها در چین نشان داد که فقر ذهنی تأثیر منفی قابل توجهی بر سلامت روان سالمندان دارد و سرمایه اجتماعی می تواند تا حدی نقش واسطه ای در این ارتباط ایفا کند (Li et al., 2023). این یافته ها، لزوم توجه به ابعاد روانی فقر ذهنی را بیش از پیش برجسته می کند و نشان می دهد که کاهش فقر ذهنی می تواند بهبود سلامت روان را نیز به دنبال داشته باشد از این رو فقر ذهنی نیازمند بررسی بیشتر و کشف عوامل مؤثر بر آن می باشد.

در این میان، کشورهای در حال توسعه، به دلیل شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بیشترین آسیب پذیری را در برابر فقر ذهنی تجربه می کنند. تحریم های بین المللی، نابرابری های اقتصادی، و تأثیرات منفی شبکه های اجتماعی از جمله عواملی هستند که می توانند فقر ذهنی را در این کشورها تشدید کنند (Homonchuk et al., 2024).

مسئله ی فقر در ایران همیشه مورد توجه دولت ها و حاکمیت بوده است و یکی از وظایف اصلی دولت ها در ایران برطرف کردن فقر است با توجه به موقعیت خاص ایران در منطقه و فشار تحریم ها و در کنار آن جنگ رسانه ای شدید علیه جمهوری اسلامی ایران که توسط رسانه های معاند و شبکه های اجتماعی صورت می گیرد و از آن طرف کم توجهی رسانه های داخلی در تولیدات محتوایی خود، مسئله فقر ذهنی در ایران یک مسئله جدی و رو به رشد است که باید عوامل آن بررسی و کشف شود تا از بروز تبعات متعدد آن به خصوص در مباحث امنیتی بتوان جلوگیری کرد.

این پژوهش با تمرکز بر فقر ذهنی در ایران که کمتر در کشورمان مورد بررسی قرار گرفته و با تمرکز بر استخراج تمامی عوامل سعی کرده است نسبت به پژوهش هایی که تنها یک عامل را بر فقر ذهنی مورد بررسی قرار داده اند متمایز باشد همچنین با روش های دلفی فازی و مارکوس نسبت به ارائه پیشنهادهای کاربردی سیاستی اقدامات لازم را انجام داده است. در این پژوهش در قسمت دوم مبانی نظری و پیشینه خارجی و داخلی آمده است در قسمت سوم روش شناسی و متدولوژی پژوهش است که ابتدا عوامل فقر ذهنی با تحلیل تم از پیشینه و مصاحبه استخراج شده و در مرحله دوم با غربال عوامل با روش دلفی فازی عوامل مهم استخراج شده و در مرحله سوم با روش مارکوس عوامل اولویت بندی شده است در قسمت چهارم یافته های پژوهش آمده است و در قسمت پنجم بحث، نتیجه گیری و محدودیت های پژوهش اشاره شده است.

مبانی نظری پژوهش و مرور پیشینه

مبانی نظری

در مورد اقسام فقر با توجه به شاخص‌های مختلف، فقر به انواع مختلفی تقسیم می‌شود: فقر دائمی و موقت، فقر شهری و روستایی، فقر مطلق و نسبی، فقر عینی و ذهنی، فقر موردی و اجتماعی، فقر مادی و معنوی.

یکی از تقسیم‌های فقر تقسیم فقر به عینی و ذهنی است فقر عینی فقری است که به آن فقر درآمدی نیز می‌گویند و منشأ آن نیازهای عینی فرد برای ادامه زندگی است که این فقر عینی می‌تواند به دو نوع فقر مطلق^۱ و نسبی^۲ تقسیم شود.

فقر مطلق دلالت بر محرومیت و عدم توانایی مالی افراد برای ارضای نیازهای ضروری انسانها دارد که افراد با آنها زنده می‌مانند، که گاهی زنده ماندن در یک دوره کوتاه مدّت مدّ نظر است و گاهی یک دوره بلند مدّت که از تعریفی که بر زنده ماندن در کوتاه مدّت دلالت دارد با فقر مطلق بالخصوص و از تعریفی که زنده ماندن در بلند مدّت را دلالت دارد با فقر معیشتی^۳ یاد شده است. (Łuczak & Kalinowski, 2022)

در فقر مطلق شخص قادر به تأمین نیازهای ضروری زندگی نیست، تعبیر خط فقری که در اخبار به آن اشاره می‌شود به این نوع فقر اشاره دارد در حقیقت فقر مطلق معمولاً در زمینه فقر شدید در کشورهای در حال توسعه مورد بحث قرار می‌گیرد. (Łuczak & Kalinowski, 2022)

قسم دوم فقر عینی، فقر نسبی است، فقر نسبی دلالت بر محرومیت و عدم توانایی مالی افراد نسبت به دیگر افراد جامعه دارد که آنها را از مشارکت و زندگی فرهنگی جامعه کنار می‌گذارد. بر مبنای فقر نسبی بدوی ترین مردم دنیا که دارایی اندکی دارند، نیز ممکن است فقیر نباشند، زیرا وقتی آنها را با اکثریت افراد آن جامعه مقایسه می‌کنیم، تفاوت زیادی به لحاظ امکانات و معیشت ما بین آنها نمی‌بینیم. فقر نسبی زمانی برطرف می‌شود که توزیع درآمد ما بین افراد برابر شود و لو اینکه افراد جامعه از سوء تغذیه رنج ببرند. در حقیقت فقر نسبی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن درآمد یک فرد یا خانواده می‌تواند نیازهای اساسی بقا را تحت شرایط اقتصادی و اجتماعی خاص حفظ کند، اما نمی‌تواند نیازهای زندگی با کیفیت بالاتر را رد مقایسه با دیگران برآورده کند (Lee & Zhang, 2022).

فقر نسبی حالتی از بقای دشوار است، که توصیف می‌کند که مواد، مهارت‌ها و آموزش مورد نیاز افراد کمتر از سطح متوسط اجتماعی است و بنابراین آنها توانایی گسترش بازتولید اجتماعی را ندارند (Zulkifli & Abidin, 2023).

در فقر نسبی شخص نیازهای ضروری زندگی‌اش تأمین شده است اما نسبت به سایر افراد جامعه از وضعیت نسبی پایین تری برخوردار است لذا خط فقر نسبی بالاتر از خط فقر مطلق است و شرایط جامعه نیز بر این فقر تأثیر گذار است و این نوع فقر ارتباط مستقیمی با نحوه توزیع درآمد در کشور دارد

اگر چه فقر نسبی مفهومی مرتبط با فقر مطلق است اما آنچه مردم قبلاً آن را فقر می‌نامیدند عمدتاً به فقر مطلق اشاره دارد که به معنای درآمد کمتر از حداقل استاندارد بقا برای حفظ فعالیت‌های بدنی است. بنابراین، فقر مطلق را فقر معیشتی نیز می‌نامند (Tang et al., 2023).

تفاوت فقر مطلق و نسبی در این است که فقر نسبی در مقایسه با جایگاه افراد دیگر در اقتصاد تعریف شده است بنابراین شخص می‌تواند به معنای نسبی فقیر باشد، حتی اگر به معنای مطلق فقیر نباشد، گاهی اوقات فقر نسبی به عنوان پدیده‌ای در جوامعی دیده می‌شود که در آنها مشکل حادی با فقر مطلق وجود ندارد، بنابراین از نظر اجتماعی و اخلاقی مشکل کمتری دارد. به طور معمول، فقر نسبی به عنوان یک شکست توزیع عدالت تلقی می‌شود، در حالی که فقر مطلق به عنوان عدم رعایت الزامات کرامت اولیه انسان‌ها یا حتی عدم رعایت حقوق بشر تلقی می‌شود بنابراین هر دو فقر نسبی و فقر مطلق به مسائل عدالت جهانی اما در دو سطح متفاوت مرتبط هستند (Samiyeva, 2022).

¹ Absolute Poverty

² Relative Poverty

³ Subsistence Poverty

اما فقر ذهنی^۱ فقری است که شخص خودش را فقیر می‌داند هرچند نیازهای ضروری زندگی‌اش تأمین شده است و حتی نسبت به جامعه نیز از وضعیت زندگی بهتری برخوردار باشد از این رو فقر ذهنی یعنی احساس فقر و احساس نارضایتی شخص از زندگی، در این حالت فقر یک مفهوم چند بعدی است که گستره وسیع‌تری نسبت به اندازه گیری‌های پولی و درآمد و هزینه دارد. (Chen, 2020)

طبق این تعریف، فقر مؤلفه‌های روانی نیز دارد یعنی برخی از افراد با معیارهای عینی به عنوان فقیر طبقه بندی می‌شوند و ممکن است خود را فقیر نیز تشخیص دهند اما برخی از افراد که احساس فقر می‌کنند با معیار عینی به عنوان غیر فقیر طبقه بندی می‌شوند (Nandori, 2024).

در حقیقت فقر ذهنی یک احساس درونی و حسی است که شخص از آنالیز وضعیت خود دارد و این حس منعکس کننده ابعاد بسیاری از استانداردهای زندگی خانوار است که ممکن است با درآمد فعلی یا مخارج قابل درک نباشد. شخص در ارزیابی وضعیت اقتصادی خود از نگاه فقر ذهنی، نه تنها مخارج یا درآمد فعلی، بلکه درآمد گذشته، تعهدات و فرصت‌های آینده، وضعیت شغلی، آموزش و سلامت، دسترسی به مسکن و خدمات اولیه، ثبات سیاسی و اقتصادی، وضعیت خانوادگی، نارضایتی‌های اجتماعی، امنیت، امید به آینده و عوامل دیگری را نیز در نظر می‌گیرد که به طور مداوم بر فقر ذهنی تأثیر می‌گذارند (Zulkifli & Abidin, 2023).

فقر ذهنی چون به نوعی درک فرد از وضعیت مالی و مادی خود است هم احساسات فردی بر آن اثر می‌گذارد هم اتفاقات پیرامون انسان، از این رو عوامل محیطی، رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و عوامل دیگر بر فقر ذهنی اثر دارند (Babjáčová et al., 2021)

به عبارت دیگر می‌توان گفت فقر ذهنی یک برداشت ذهنی است و فرد تا زمانی که احساس فقر نکند فقیر نیست و به عبارتی فقر ذهنی عبارت است از، برداشت ذهنی هر فرد از وضعیت خود در رابطه با فقر، هر چند که تبلور عینی فقر در جامعه نباشد یعنی هر شخص در ذهن خود متناسب با جایگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش یک سری نیازهایی را ضروری دانسته و ارضای آنها را طلب می‌کند و اگر آن نیازها که وی ضروری قلمداد می‌کند برآورده نشود، فرد خود را فقیر می‌داند. کسانی که معتقد به فقر ذهنی می‌باشند، رفتار مصرف کنندگان را عقلایی می‌دانند و اینکه آنها خود بهترین راهنما در تعیین نیازهای اساسی خویشند و با این معیار، طبقاتی از یک جامعه با نداشتن خوراک، لباس و اولین ضروریات، خود را فقیر می‌بینند و طبقات دیگری که این مقدار برای آنها فراهم است، عدم دسترسی به برخی کالاهای دیگر را برای خود فقر به حساب می‌آورند و در نتیجه سطح خط فقر خود را بالاتر از دسته اول می‌بینند و به همین ترتیب طبقات مختلف، ذهنیت متفاوتی از فقر خواهند داشت (Chang et al., 2020)

آمارتیا سن^۲ برنده جایزه نوبل اقتصاد یکی از پایه‌گذاران نظریه‌های فقر ذهنی بود وی در نظریه خود با عنوان "قدرت عملکردی"^۳ فقر را تنها به عنوان کمبود درآمد تعریف نمی‌کند، بلکه آن را به عنوان عدم دسترسی به فرصت‌ها و قابلیت‌های لازم برای داشتن یک زندگی معنادار و آزاد تعریف می‌کند. از دیدگاه او، فقر ذهنی نیز می‌تواند به عنوان احساس عدم توانایی در دستیابی به اهداف و ارزش‌های شخصی تعریف شود (Sen, 2014).

هربرت سایمون^۴ نیز از برندگان جایزه نوبل اقتصاد در نظریه "رضایت بخشی"^۵ خود بیان می‌کند که افراد به دنبال دستیابی به حداقل سطحی از رضایت هستند و این موضوع می‌تواند توضیح دهد که چرا افراد در شرایط مشابه، احساس فقر ذهنی

¹ Poverty Subjective

² Sen, A.

³ Capability Approach

⁴ Simon, H.

⁵ Satisficing Theory

متفاوتی دارند. به عنوان مثال، یک فرد در یک جامعه توسعه یافته ممکن است با وجود داشتن درآمد مناسب، به دلیل مقایسه خود با دیگران، احساس فقر ذهنی کند و از طرف دیگر، یک فرد در یک جامعه کمتر توسعه یافته ممکن است با وجود درآمد پایین تر، به دلیل داشتن انتظارات ذهنی پایین تر، احساس فقر ذهنی کمتری داشته باشد (Simon, 1957). با توجه به تعاریف گفته شده چون این نوع فقر به شدت به محیط و احساس هر شخص وابسته است و همیشه با شرایط مادی مطابقت ندارد و عواملی که موجب فقر ذهنی می شوند ساختاری هستند و همه زیر گروه های سنی و درآمدی را تحت تاثیر قرار می دهد از این رو کشف عوامل مؤثر بر آن می تواند منجر به پیشنهادات مختلف سیاستی در جهت رفع فقر ذهنی شود تا از تبعات و پیامدهای آن جلوگیری شود (Homonchuk, 2024).

باید به این نکته توجه داشت که فقر ذهنی تنها معلول عوامل اقتصادی نیست بلکه عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و روانی نیز بر آن اثر دارند و از طرفی تبعات فقر ذهنی هم منحصر در تبعات اقتصادی نیست بلکه هم تبعاتی در بعد فرهنگی و اجتماعی دارد و هم تبعاتی در بعد امنیتی و اقتصادی. از منظر اجتماعی فقر ذهنی می تواند ناامنی پایدار ایجاد کند. (Douvoux, 2019).

این پژوهش می خواهد عوامل فقر ذهنی در ایران را استخراج کند و با توجه به اینکه عوامل اقتصادی، فرهنگی، اعتقادی، سیاسی و اخلاقی با فقر ذهنی ارتباط دارد باید نگاه کامل تری نسبت به فقر ذهنی صورت بگیرد و عوامل آن استخراج شود و این عوامل اولویت بندی شوند از طرفی چون فقر ذهنی یک مسئله روانی است که به شدت به محیط و فرهنگ همان کشور وابسته است از این رو نمی توان عوامل فقر ذهنی در سایر کشورها را نسبت به کشور ایران تعمیم داد و باید این بررسی به صورت مجزا در ایران صورت گیرد.

به عنوان مثال در شرایط بحران های ارزی و شرایط نوسانات تورمی و افزایش قیمت مسکن و طلا آنچه در تحلیل ها و اخبار شبکه های اجتماعی مطرح می شود احساس بیشتر فقر است و این اخبار موجب ایجاد ناامیدی و بی انگیزگی در مردم می شود.

در این راستا، شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر فقر ذهنی می تواند به عنوان یک راهبرد کلیدی در جهت کاهش این پدیده و پیشگیری از تبعات منفی آن عمل کند. این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر فقر ذهنی در ایران انجام شده است. با توجه به اینکه فقر ذهنی به شدت تحت تاثیر عوامل محیطی، فرهنگی و اجتماعی قرار دارد، لزوم بررسی این موضوع در قالب یک مطالعه محلی و با توجه به شرایط خاص ایران ضروری به نظر می رسد. پیشینه پژوهش:

پژوهش حاضر با توجه به اینکه به دنبال شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر فقر ذهنی در ایران است باید عوامل را ابتدا به صورت کتابخانه ای و مروری از مقالات خارجی و داخلی در این زمینه استخراج کرد و چون این پژوهش مربوط به کشور ایران است و ممکن است تعدادی از عوامل مؤثر بر فقر ذهنی در ایران در مقالات خارجی به آن اشاره ای نشده باشد و همچنین در این زمینه نیز پژوهش جامعی در ایران کار نشده و در این زمینه خلأ پژوهشی وجود دارد بعد از استخراج عوامل از مقالات، با مصاحبه ساختار یافته تعداد ۱۰ عامل به عوامل استخراج شده از مقالات اضافه گردید تا بتوان مرحله غربالگری دلفی فازی را با ۳۶ عامل آغاز کرد در حقیقت این ۳۶ عامل عواملی هستند که تعداد ۲۶ مورد آنها از مرور مقالات و تعداد ۱۰ مورد از مصاحبه ساختار یافته با خبرگان استخراج شده تا بتوان مرحله غربالگری دلفی فازی را با این عوامل انجام داد. پیشینه خارجی:

جهت غربالگری دلفی فازی نیاز به استخراج عوامل موثر بر فقر ذهنی داریم و برای این منظور مقالات فقر ذهنی را مورد بررسی قرار داده تا بتوان عوامل را استخراج کرد به این منظور ابتدا پژوهش‌های مورد نظر را بررسی کرده و مورد دسته بندی قرار داده شدند

تحقیقات و پژوهش‌ها در زمینه فقر ذهنی به سه دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول: به بررسی متفاوت بودن خط فقر عینی و ذهنی و میزان تفاوت آن می‌پردازد که این دسته از پژوهش‌ها به موضوع مورد بحث مقاله ارتباط کمتری دارد.

هرچند در این دسته از پژوهش‌ها هدف استخراج عوامل موثر بر فقر ذهنی نبوده اما به برخی از عوامل موثر بر فقر ذهنی اشاره داشته است از این رو با مطالعه این پژوهش‌ها تعدادی از عوامل موثر برای مرحله غربالگری استخراج گردید.

دوریت پوزل و میسائیل رگان^۱ در مقاله‌ای در سال ۲۰۱۴ با عنوان (فقر عینی و فقر ذهنی و مقایسه نرخ فقر عینی و ذهنی در آفریقای جنوبی) با روش پرسشنامه‌ای به این نتیجه رسیدند که شاخص‌های فقر عینی نمی‌تواند فقر ذهنی را نشان دهند. استرشیوشنر^۲ در سال ۲۰۱۰ در مقاله‌ای با عنوان (فقر ذهنی و ارتباطش با مفاهیم فقر عینی در مجارستان) با روش جمع آوری داده سیستماتیک به این نتیجه رسیده است که فقر ذهنی یک مفهوم چند بعدی است و سطح درآمد پایین، تباررومی، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و بیکاری مواردی هستند که بیشترین ارتباط را با فقر ذهنی دارند همچنین مطالعات نشان می‌دهد کاهش فقر مطلق افراد ممکن است برای کاهش فقر ذهنی کافی نباشد چون فقر ذهنی با فقر نسبی هم ارتباط دارد.

دسته دوم: به بررسی تأثیر یک عامل خاص در میزان فقر ذهنی می‌پردازد بدین منظور در این پژوهش این مقالات مورد بررسی قرار گرفت و عواملی که در این مقالات به آن اشاره شده بود برای غربالگری استخراج شد که تعدادی از موارد پیشنهادی در این زمینه به شرح زیر می‌باشند:

گراس مانوس^۳ و همکاران در مقاله‌ای با عنوان (ارتباط محرومیت مادی و فقر ذهنی با حس خوشبختی در کودکان: دینداری به عنوان عامل حفاظتی) در سال ۲۰۲۲ با روش پرسشنامه‌ای به این نتایج رسیدند که دینداری یک نقش حفاظتی در این ارتباط دارد و در کودکان با عقاید مذهبی قوی تر، ارتباط محرومیت مادی و فقر ذهنی با حس خوشبختی ضعیف‌تر است اما اعمال مذهبی نقش تعدیل کننده‌ی معناداری بر ارتباط بین خوشبختی مادی و حس خوشبختی نداشتند که نشان می‌دهد دینداری در بین کودکان و بزرگسالان نمود متفاوتی دارد.

آچدوت نتا^۴ و همکاران در مقاله‌ای با عنوان (فقر ذهنی، شاخص‌های محرومیت مادی و فشار روانی در بین افراد جوان: نقش واسطه‌گر سرمایه اجتماعی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی آنلاین) در سال ۲۰۲۱ در اسرائیل با روش معادلات ساختاری به نتیجه رسیدند که فقر ذهنی و محرومیت مادی پیش‌بینی کننده‌های قوی فشار روانی بودند و استفاده از شبکه‌های اجتماعی آنلاین می‌تواند فقر ذهنی را گسترش دهد و سرمایه اجتماعی غیررسمی اثرات منفی فقر ذهنی را کم کرد در حالی که استفاده از شبکه‌های اجتماعی آنلاین فقر ذهنی را افزایش داد.

سیو مینگ چان و هنگ وانگ^۵ در سال ۲۰۲۰ در مقاله‌ای با عنوان (تأثیر درآمد، محرومیت و طرد اجتماعی بر فقر ذهنی یک معادله ساختاری از فقر چند بعدی در هنگ کنگ) با روش معادلات ساختاری جهت مطالعه‌ی ارتباط خطی بین ابعاد

¹ Posel, D. & Rogan, M.

² Siposhenawdori, E.

³ Manos, G., et al.

⁴ Netta, A., et al.

⁵ Chan, S. & wong, H.

پولی، مادی، اجتماعی و ذهنی فقر که محرومیت و طرد اجتماعی متغیر واسطه‌ای و تعدیل‌گر بودند به این نتیجه رسیدند که تاثیر درآمد بر فقر ذهنی تا حدودی توسط ابعاد مادی و اجتماعی فقر تعدیل می‌شود.

بتریس گارسیا و ماریا کارمن^۱ در مقاله‌ای به عنوان (اندازه‌گیری و موضع‌یابی تعیین محل فقر ذهنی در اسپانیا) در سال ۲۰۱۹ با روش پرسشنامه‌ای به این نتیجه رسیدند که هرچه خانوارها در مناطق پر تراکم جمعیتی زندگی کنند میزان فقر ذهنی در آنها کمتر است این نتایج نشان دهنده‌ی یک ارتباط معکوس بین درصد فقر و تراکم جمعیت مرکزی که خانوار به آن تعلق دارد وجود دارد و همچنین فقر ذهنی وابسته به چرخه‌ی اقتصادی نیست و غیر ادواری است.

یانهانگ لی^۲ و همکاران در مقاله‌ای با عنوان (تأثیر فقر ذهنی بر سلامت روانی سالمندان در چین: نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی) در سال ۲۰۱۸ با روش پرسشنامه‌ای به این نتایج رسیدند که فقر ذهنی تأثیر منفی قابل توجهی بر سلامت روان دارد و سرمایه اجتماعی تا حدی واسطه ارتباط بین فقر ذهنی و سلامت روان است.

جاویر هررا^۳ و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان (عوامل تعیین کننده فقر ذهنی: مطالعه‌ی مقایسه‌ای بین ماداگاسکار و پرو) در سال ۲۰۰۶ به این نتایج رسیدند: سطح درآمد، اثر مثبت معناداری بر حس خوشبختی دارد و مشارکت اجتماعی تاثیر مثبتی بر عدم فقر ذهنی دارد. در ماداگاسکار در خانواده‌هایی که حداقل یک عضو آن متعلق به یک گروه مذهبی است فقر ذهنی در آن خانواده کمتر است. در پرو شرکت در انتخابات محلی تأثیر مثبتی بر عدم فقر ذهنی دارد که نشان می‌دهد خوشبختی حاصل از مشارکت سیاسی حتی هزینه‌های مشارکت در امور سیاسی را جبران می‌کند. متوسط سطح درآمد مکان زندگی اثر مثبت معناداری بر فقر ذهنی در ماداگاسکار و پرو داشت به طوری که در ماداگاسکار خانواده‌هایی که در محلی زندگی می‌کنند که سطح درآمد مردم آن محل از درآمد آنها بیشتر است احساس ناامیدی و فقر ذهنی بیشتری دارند. علاوه بر متوسط درآمد در مکان زندگی، سطح نابرابری‌های اجتماعی در مکان زندگی تأثیر معناداری بر فقر ذهنی دارد.

دسته سوم: عوامل مؤثر بر فقر ذهنی بررسی شده است. در واقع در پژوهش‌های این دسته غالباً چند عامل از عوامل مؤثر بر فقر ذهنی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است که در این پژوهش، از این مقالات هم عوامل استخراج گردید که تعدادی از این پژوهش‌ها عبارتند از:

هنجیه وانگ^۴ و همکاران در مقاله‌ای با عنوان (فقر و فقر ذهنی در روستاهای چین) در سال ۲۰۲۰ میلادی با روش پرسشنامه‌ای به این نتیجه رسیدند که فقر ذهنی در روستاهای چین از فقر عینی بالاتر است و ۲۹ درصد روستاییان چین در حالی که فقر عینی ندارند فقر ذهنی دارند و چون خط فقر عینی نمی‌تواند به طور کامل فقر ذهنی را نشان دهد بنابر این کاهش احساس فقر ذهنی باید به عنوان یک سیاست در چین مورد توجه قرار گیرد در این مقاله دو عامل مخارج پزشکی و مخارج تحصیلی به عنوان مهمترین نقش در فقر ذهنی در روستاهای چین معرفی شدند.

طاهیر محمود^۵ و همکاران در سال ۲۰۱۹ در مقاله‌ای با عنوان (آیا فقرا واقعاً احساس فقر می‌کنند؟ مقایسه فقر عینی با ذهنی در پاکستان) با روش پرسشنامه‌ای به این نتیجه رسیدند که عوامل تعیین کننده فقر ذهنی به مصرف خانگی محدود نیستند و شامل اندازه‌ی خانوار، ساختار جمعیتی خانوار، مالکیت زمین کشاورزی، امکانات بهداشتی، امنیت فیزیکی و غذایی و سطح تحصیلات می‌باشد.

¹ Garcia, B. & Carmen, M.

² Li, Y., et al.

³ Herrera, J., et al.

⁴ Wang, H., et al.

⁵ Mahmood, T., et al.

ماسیمو بالدینی^۱ و همکاران در مقاله‌ای با عنوان (کیفیت دولت و فقر ذهنی در اروپا) در سال ۲۰۱۸ با روش تحلیل داده‌ها به این نتیجه رسیدند حکومت خوب هم در کل جمعیت و هم در بین خانوارهای فقیر به طور معناداری احتمال فقر ذهنی را کاهش می‌دهد که هرچه کیفیت دولت‌ها و خدمات عمومی بالاتر باشد میزان فقر ذهنی در جامعه کمتر است.

فرانسیسکا باتلر^۲ در سال ۲۰۱۳ در مقاله‌ای با عنوان (چه چیزی فقر ذهنی را تعیین میکند؟) با روش اقتصادسنجی و با بررسی کشورهای اتحادیه اروپا به این نتیجه رسید که هرچه سطح رفاه کشوری بالاتر باشد میزان فقر نسبی و فقر ذهنی تفاوت کمتری دارند و هرچه رفاه جامعه کمتر باشد تفاوت میزان فقر نسبی و ذهنی بیشتر است.

یونس عالم^۳ و همکاران در سال ۲۰۱۴ در مقاله‌ای با عنوان (ماندگاری فقر ذهنی در مناطق شهری اتیوپی) با روش جمع‌آوری داده به این نتیجه رسیدند که علیرغم رشد سریع اقتصادی و کاهش فقر معیشتی در اتیوپی فقر ذهنی عمدتاً تغییر نکرده است و خانوارهایی با سابقه فقر همچنان خودشان را فقیر می‌دانند حتی اگر مصرفشان افزایش پیدا کند. موقعیت اقتصادی نسبی خانوارها یک عامل تعیین‌کننده قوی برای فقر ذهنی است و همچنین داشتن شغل باعث میشود خانوارها کمتر احساس فقر کنند اگر چه فقر عینی داشته باشند.

دارتانتو و همکاران^۴ در سال ۲۰۱۳ در مقاله‌ای با عنوان (اندازه‌گیری و عوامل فقر چند بعدی: مطلق، نسبی و فقر ذهنی در اندونزی) با روش پرسشنامه‌ای به این نتیجه رسیدند که عواملی مانند مدرک تحصیلی، تعداد اعضای خانواده، دارایی‌های فیزیکی و وضعیت سلامت بر فقر ذهنی تأثیر دارد.

گاری مارکس^۵ در سال ۲۰۰۷ در مقاله‌ای با عنوان (فقر درآمد، فقر ذهنی و استرس مالی) در استرالیا با روش پرسشنامه‌ای به این نتایج رسیدند: برخلاف فقر درآمدی، مردان بیشتر نسبت به زنان فقر ذهنی داشتند؛ ارتباط واضحی بین سن و فقر ذهنی نبود به استثنای مسن‌ترین گروه که فقر ذهنی خیلی کمی داشتند و به طور متوسط، خانوارهای دارای فقر ذهنی کمی جوان‌تر بودند. در مورد نوع خانوار، خانوارهای تک‌والد بیشتر خودشان را فقیر یا خیلی فقیر می‌دانستند در حالی که خانوارهای دووالدی با فرزند و یا بدون فرزند فقر ذهنی خیلی کمتری داشتند. در مورد وضعیت ازدواج و فرزند داشتن فقر ذهنی بین متأهل‌ها و بیوه‌ها خیلی کمتر است و بیشترین فقر ذهنی را افرادی که طلاق گرفته بودند داشتند. در مورد تحصیلات، میزان بالای تحصیلات با میزان کمتری از فقر ذهنی ارتباط دارد و افرادی که تحصیلات مدرسه را تمام نکردند ۶ درصد فقر ذهنی داشتند در حالی که افرادی که مدرک تحصیلی داشتند ۳ درصد فقر ذهنی داشتند. در مورد تجربیات نیروی کار، فقر ذهنی ارتباط قوی‌ای با وضعیت نیروی کار دارد و حدود ۲۰ درصد از افراد بیکار و یا جویای شغل تمام وقت خودشان را فقیر یا خیلی فقیر می‌دانستند اما این درصد برای کسانی که شغال تمام وقت داشتند فقط ۲ درصد بود و آمار نشان می‌دهد افراد بیکار جویای شغل میزان بالایی از فقر ذهنی را دارند. در مورد قومیت برخلاف یافته‌های فقر درآمدی، افراد غیرانگلیسی‌زبان هیچ تفاوت معناداری با افراد بومی نداشتند. در مورد پیشینه اجتماعی و اقتصادی، ارتباط ضعیفی بین فقر ذهنی و این پیشینه وجود داشت و تحلیل‌های چند متغیره تفاوت معناداری را نشان نداد. در مورد درآمد، ثروت و بدهی، متوسط درآمد خانوارهای دارای فقر ذهنی تقریباً نصف گروه کنترل بود و به طور متوسط ثروت گروه‌های دارای فقر ذهنی بین یک پنجم و یک چهارم ثروت گروه‌های کنترل بود. این نتایج نشان می‌دهد ثروت ارتباط بیشتری با فقر ذهنی دارد تا با فقر درآمدی.

¹ Baldini, M., et al.

² Buttler, F.

³ Alem, Y.

⁴ Dartanto, T., et al.

⁵ Marks, G.

با اتمام بررسی پژوهش‌های خارجی در این زمینه و برای نشان دادن خلأهای پژوهشی در زمینه فقر ذهنی در ایران مقالات داخلی نیز بررسی شد. هرچند این پژوهش‌ها به بررسی عوامل موثر بر فقر ذهنی در ایران نپرداخته و جنبه‌های دیگر را مورد بررسی قرار دادند و تنها عامل دین‌داری مورد بررسی قرار گرفته است که این عامل نیز در مقالات خارجی به آن اشاره شده بود از این رو برای غربالگری روش دلفی فازی این عامل نیز مورد بررسی قرار گرفت.

پیشینه داخلی:

حبیبی و همکاران در سال ۱۴۰۰ در مقاله‌ای با عنوان (تاثیر فقر ذهنی بر عملکرد نیروی کار) در ایران با روش پرسشنامه‌ای به این نتیجه رسیدند که فقر ذهنی می‌تواند بر عملکرد نیروی کار تاثیر منفی و معنی داری بگذارد.

سلیمانی و همکاران در سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای با عنوان (بررسی اثرات بالقوه دین داری بر فقر ذهنی در ایران) با روش اقتصاد سنجی به این نتیجه رسیدند که ارتباط معنی دار و منفی میان دین داری و فقر ذهنی در ایران وجود دارد به این معنا که هرچه سطح دین داری افراد بالاتر باشد ادراک آنها از فقر کاهش پیدا می‌کند.

سلیمانی و همکاران در سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای با عنوان (بررسی آثار فقر ذهنی بر تلقی انسان از منافع و هزینه‌های باروری (رویکرد درون دینی)) با روش کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیدند که فقر ذهنی می‌تواند بر باروری تأثیر بگذارد به این صورت که شخص منافع باروری را کمتر و همزمان هزینه‌های آن را بیشتر برآورد می‌کند و همین باعث می‌شود فقر ذهنی بر باروری و کاهش جمعیت در کشور اثر بگذارد.

با بررسی کامل پژوهش‌های خارجی و داخلی در این زمینه تعداد ۲۶ عامل موثر بر فقر ذهنی از پژوهش‌ها استخراج گردید این عوامل که به طور خلاصه در جدول شماره ۱ آمده است به همراه ۱۰ عامل دیگر از مصاحبه ساختاریافته و با توجه به وضعیت کشور ایران استخراج شد که مجموعاً ۳۶ عامل وارد مرحله غربالگری دلفی فازی شد آنچه مسلم است این است که پژوهش‌های خارجی لزوماً به عواملی که می‌تواند در ایران موثر باشد اشاره نکرده و خلأ پژوهشی در زمینه شناسایی این عوامل در ایران وجود دارد.

به جهت اینکه در مرحله غربالگری کار با دقت بیشتری انجام شود و همچنین جامعیت موضوع فقر ذهنی در همه ابعاد مشخص شود این ۳۶ عامل در ۴ دسته‌ی عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فردی دسته بندی شد.

عوامل مؤثر بر فقر ذهنی :

از میان عوامل اشاره شده در مقالات می‌توان این عوامل را به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

دسته اول: عوامل اجتماعی

دسته دوم: عوامل اقتصادی

دسته سوم: عوامل سیاسی

دسته چهارم: عوامل فردی

دسته بندی این عوامل به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۱. عوامل مؤثر بر فقر ذهنی

عوامل کلی	نام نویسنده و سال	عامل
عوامل اجتماعی	جاویر هررا و همکاران، ۲۰۰۶	مشارکت اجتماعی
	آچدوت نتا، ۲۰۲۱	شبکه‌های اجتماعی
	سیو مینگ چان و هنگ وانگ، ۲۰۲۰	محرومیت اجتماعی
	استرشیپوشنر، ۲۰۱۰	حمایت اجتماعی
عوامل اقتصادی	جاویر هررا و همکاران، ۲۰۰۶	نابرابری اقتصادی
	یونس عالم، ۲۰۱۲	داشتن شغل دائمی
	دارتانتو و همکاران، ۲۰۱۳	دارایی فیزیکی
	استرشیپوشنر، ۲۰۱۰	بیکاری
	سیو مینگ چان و هنگ وانگ، ۲۰۲۰	سطح درآمد
	فرانسیسکا باتلر، ۲۰۱۳	سطح رفاه جامعه
	طاهیر محمود و همکاران، ۲۰۱۹	مالکیت زمین
	یونس عالم، ۲۰۱۲	سابقه فقر
	ماسیمو بالدینی و همکاران، ۲۰۱۷	کیفیت دولت
عوامل سیاسی	جاویر هررا، ۲۰۰۶	مکان زندگی
	بتریس گارسیا و ماریا کارمن، ۲۰۲۰	تراکم جمعیت
	طاهیر محمود و همکاران، ۲۰۱۹	امنیت فیزیکی
	طاهیر محمود و همکاران، ۲۰۱۹	امکانات بهداشتی
	طاهیر محمود و همکاران، ۲۰۱۹	امنیت غذایی
	جاویر هررا، ۲۰۰۶	مشارکت سیاسی
	گراس مانوس و همکاران، ۲۰۲۱	دینداری
عوامل فردی	گاری مارکس، ۲۰۰۵	سن
	گاری مارکس، ۲۰۰۵	جنسیت
	دارتانتو و همکاران، ۲۰۱۳	مدرک تحصیلی

وضعیت سلامت	دارتانتو و همکارش، ۲۰۱۳	
تعداد اعضاء خانوار	دارتانتو و همکارش، ۲۰۱۳	
وضعیت تأهل	گاری مارکس، ۲۰۰۵	

ماخذ: یافته‌های پژوهش

عوامل گفته شده که در پیشینه مورد بررسی قرار گرفته است عواملی هستند که برخی از آن‌ها به طور قطعی در ایران نیز جزء عوامل مؤثر بر فقر ذهنی خواهد بود اما به نظر می‌رسد ساختار کشور ایران به گونه‌ای است که برخی از عوامل در پیشینه خارجی به آن اشاره نشده و لازمه آن این است که تحت یک مصاحبه از خبرگان عوامل داخلی نیز به این عوامل اضافه شود از این رو با مصاحبه‌های ساختار یافته از نخبگان چند عامل دیگر به عوامل پیشینه اضافه شدند. عواملی که در ایران بر فقر ذهنی مؤثر است و می‌تواند به این مجموعه از عوامل اضافه شود عواملی مانند: تورم، نوسانات نرخ ارز، حرکات سفته بازانه، اخبارهای فساد های مالی و تحریم اشاره کرد. در ایران مسئله فقر ذهنی کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و در این زمینه مقالات چندانی وجود ندارد و برخی مقالات فقط به بررسی یک عامل یا متغیر در فقر ذهنی پرداخته‌اند و عوامل مختلف در کنار هم سنجیده نشده و اولویت بندی این عوامل صورت نگرفته است.

روش شناسی و متدلوژی پژوهش:

مطالعه حاضر از حیث بنیان پارادایمی، پسااثباتی؛ از منظر نوع، کاربردی؛ از حیث روش شناسی، کمی چندگانه و از بعد روش، کمی است. همچنین مطالعه حاضر از منظر جمع آوری داده‌ها، یک تحقیق پیمایشی است، البته در این مطالعه افزون بر رویکرد میدانی، تحقیقات کتابخانه‌ای هم مورد مطالعه بوده است. روش گردآوری داده:

با هدف نگارش بنیان نظری و پیشینه تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای (مقالات و پژوهش‌های معتبر) و مصاحبه ساختار یافته استفاده شد. جهت تحلیل داده‌ها هم رویکرد میدانی استعمال شد.

جهت جمع آوری داده‌ها، ابزار پرسشنامه توزیع شد. پرسشنامه نخست، پرسشنامه خبره‌سنجی است که برای غربال عوامل مؤثر بر فقر ذهنی مورد استفاده قرار گرفت. بدین منظور پرسشنامه شناسایی عوامل را از ۱۵ خبره در زمینه فقر که به صورت قضاوتی انتخاب شدند تهیه شد خبرگان این مرحله از اعضای هیئت علمی گروه اقتصاد در سراسر کشور انتخاب شدند بعد از آن از پرسشنامه دوم برای تعیین اولویت عوامل استفاده شد که این پرسشنامه نظرات ۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی گروه اقتصاد را در برداشت.

مراحل پژوهش:

شناسایی عوامل مؤثر بر فقر ذهنی در ایران از طریق مرور پیشینه و مصاحبه ساختار یافته با خبرگان؛ غربال کاربردها با توزیع پرسشنامه‌های خبره‌سنجی میان ۱۵ نفر از خبرگان دانشگاهی متخصص و تکنیک دلفی فازی؛ تعیین اولویت عوامل با روش مارکوس و توزیع پرسشنامه‌های اولویت‌سنجی میان ۱۰ نفر از خبرگان دانشگاهی متخصص؛ استخراج عوامل و نتیجه گیری در مورد عوامل مؤثر بر فقر ذهنی

روش غربال عوامل با دلفی فازی

روش دلفی فازی برای غربال عوامل موثر بر فقر ذهنی استفاده شد. الگوریتم پیاده‌سازی دلفی فازی برای غربالگری شامل مراحل زیر است: (Habibi et al., 2015)

گزینش طیف مناسب برای فازی‌سازی عبارات کلامی؛

تجمع فازی مقادیر فازی شده؛

فازی‌زدایی مقادیر؛

انتخاب شدت آستانه و غربال معیارها.

مرحله ۱: جمع‌آوری و فازی‌سازی عوامل موثر بر فقر ذهنی در پیشینه. در الگوریتم روش دلفی فازی برای غربالگری، نخست باید یک طیف فازی مناسب برای فازی‌سازی عوامل شکل گیرد. بدین منظور می‌توان از طیف‌های فازی متداول استفاده نمود. در این مطالعه از طیف لیکرت پنج درجه استفاده شده که در جدول شماره یک آمده است.

جدول شماره ۲. طیف فازی روش دلفی

متغیر کلامی	مقدار فازی	عدد فازی مثلثی
خیلی کم	۲	(۰, ۰, ۰/۲۵)
کم	۴	(۰, ۰/۲۵, ۰/۵)
متوسط	۴	(۰/۷۵, ۰/۵, ۰/۲۵)
زیاد	۴	(۰/۵, ۰/۷۵, ۱)
خیلی زیاد	۵	(۰/۷۵, ۱, ۱)

مرحله ۲: تجمع فازی مقادیر فازی شده. بعد از گزینش طیف فازی مناسب، عوامل موثر فازی‌سازی می‌شود. چندین روش برای تجمع فازی نظرات خبرگان ارائه شده است. اگر نظر هر خبره به عنوان اعداد فازی مثلثی (l, m, u) نشان داده شود، مناسب‌ترین روش، محاسبه میانگین فازی نظرات خبرگان است:

$$F_{AVE} = \frac{\sum l}{n}, \frac{\sum m}{n}, \frac{\sum u}{n}$$

مرحله ۳: فازی‌زدایی مقادیر. در روش‌های مختلفی که با رویکرد فازی انجام می‌شود، محقق در انتها مقادیر فازی نهایی را به یک عدد قطعی تبدیل می‌کند. این عمل به عنوان فازی‌سازی شناخته می‌شود. یکی از روش‌های مناسب برای فازی‌زدایی، میانگین اعداد فازی مثلثی است:

$$\text{if } \tilde{F} = (l, m, u) \text{ then } F = \frac{l + m + u}{3}$$

مرحله ۴: بعد از انتخاب روش مناسب و فازی‌زدایی ارزش‌ها، یک حد آستانه باید محاسبه شود. این حد آستانه معمولاً بر اساس نظر پژوهشگر در تحقیقات مختلف تفاوت دارد. در صورتی که ارزش قطعی فازی‌زدایی نظرات خبرگان تجمع

شده بالاتر از حد آستانه باشد، عامل مورد نظر در تحلیل ها باقی می ماند. در غیر این صورت عامل مورد نظر کنار گذاشته می شود (Habibi et al., 2015)

عدد فازی شده در این پژوهش ۰/۶۵ می باشد

جدول ۳: دلفی فازی عوامل

ردیف	عوامل پژوهش	میانگین نظرات خبرگان			عدد دیفازی شده
		حد پایین	میان	حد بالا	
۱	مشارکت اجتماعی	۰/۷	۰/۴۵	۰/۲۳	۰/۴۶
۲	حضور فعال در شبکه های اجتماعی آنلاین	۰/۹۳	۰/۸۲	۰/۵۷	۰/۷۹
۳	بی هویتی اجتماعی	۰/۹	۰/۷۵	۰/۵۳	۰/۷۴
۴	تحت حمایت سازمان های اجتماعی بودن	۰/۷۵	۰/۵۳	۰/۳	۰/۵۳
۵	سطح رفاه جامعه	۰/۷۷	۰/۵۳	۰/۳	۰/۵۳
۶	امکانات بهداشتی	۰/۶۵	۰/۴	۰/۱۷	۰/۴
۷	امنیت اجتماعی	۰/۶۵	۰/۴	۰/۱۸	۰/۴۱
۸	تراکم جمعیت منطقه زندگی فرد	۰/۷	۰/۴۵	۰/۲۳	۰/۴۶
۹	امنیت غذایی	۰/۷۷	۰/۵۳	۰/۳	۰/۵۳
۱۰	مکان زندگی (زندگی در شهر یا روستا)	۰/۹	۰/۷۲	۰/۴۸	۰/۷۱
۱۱	منطقه زندگی شهری (بالانشین یا پایین نشین)	۰/۹۷	۰/۸۳	۰/۵۸	۰/۸۱
۱۲	نابرابری اقتصادی	۱	۰/۹	۰/۶۵	۰/۸۸
۱۳	امنیت شغلی	۰/۸۲	۰/۶	۰/۳۵	۰/۵۹
۱۴	دارایی فیزیکی	۰/۸۷	۰/۶۸	۰/۴۳	۰/۶۷
۱۵	بیکاری	۰/۹	۰/۷۷	۰/۵۳	۰/۷۵
۱۶	سطح درآمد	۰/۸۳	۰/۶۲	۰/۳۷	۰/۶۱

۱۷	مالکیت املاک و مستغلات	۰/۸۷	۰/۶۸	۰/۴۳	۰/۶۷
۱۸	سابقه فقر	۰/۸۵	۰/۶۷	۰/۴۲	۰/۶۶
۱۹	بی ثباتی ها و شوک های اقتصادی (ناگهانی)	۰/۸۸	۰/۷	۰/۴۵	۰/۶۹
۲۰	نااطمینانی از درآمد آینده	۰/۹۲	۰/۷۷	۰/۵۲	۰/۷۵
۲۱	فساد اقتصادی	۰/۸۳	۰/۶۳	۰/۴۲	۰/۶۳
۲۲	بی ثباتی های ساختاری و مزمن اقتصادی	۰/۸۷	۰/۶۵	۰/۴	۰/۶۴
۲۳	داشتن بیمه	۰/۶۳	۰/۳۸	۰/۱۸	۰/۳۹
۲۴	نوع ساختار حکومت	۰/۶۳	۰/۴۲	۰/۲۲	۰/۴۲
۲۵	کیفیت حکمرانی	۰/۷۵	۰/۵۳	۰/۳۳	۰/۵۴
۲۶	مشارکت سیاسی	۰/۵۳	۰/۳	۰/۱۵	۰/۳۱
۲۷	فساد اداری	۰/۷۵	۰/۵۳	۰/۳۳	۰/۵۴
۲۸	ثبات سیاسی	۰/۶۸	۰/۴۵	۰/۲۳	۰/۴۵
۲۹	دینداری	۰/۸	۰/۶۳	۰/۴۳	۰/۶۳
۳۰	سن	۰/۹۲	۰/۶۸	۰/۴۳	۰/۶۸
۳۱	جنسیت	۰/۸	۰/۵۵	۰/۳	۰/۵۵
۳۲	مدرک تحصیلی	۰/۷۷	۰/۵۳	۰/۲۸	۰/۵۳
۳۳	وضعیت سلامت	۰/۸۲	۰/۵۸	۰/۳۳	۰/۵۸
۳۴	تعداد اعضاء خانوار	۰/۷۷	۰/۵۲	۰/۲۸	۰/۵۲
۳۵	وضعیت تأهل	۰/۷۸	۰/۵۵	۰/۳۲	۰/۵۵
۳۶	عوامل شخصیتی	۱	۰/۹۳	۰/۶۸	۰/۹

ماخذ: یافته های پژوهش

عوامل بالای سطح ۰/۷ که هشت عامل بالای این سطح می باشند که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۴: عوامل که بالای سطح ۰/۷

ردیف	نام عامل	عدد دی فازی شده
۱	عوامل شخصیتی	۰.۹

۰/۸۸	نابرابری اقتصادی	۲
۰/۸۱	منطقه زندگی شهری (بالانشین یا پایین نشین)	۳
۰/۷۹	حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی آنلاین	۴
۰/۷۵	نااطمینانی از درآمد	۵
۰/۷۵	بیکاری	۶
۰/۷۴	بی هویتی اجتماعی	۷
۰/۷۱	مکان زندگی (زندگی در شهر یا روستا)	۸

ماخذ: یافته‌های پژوهش

عوامل بالای سطح ۰/۶۵ که غیر از موارد فوق این موارد نیز اضافه شده است:

جدول ۵: عوامل بالای ۰/۶۵ غیر از موارد جدول بالا

۰/۶۸	سن	۹
۰/۶۹	بی ثباتی‌ها و شوک‌های اقتصادی (ناگهانی)	۱۰
۰/۶۷	مالکیت املاک و مستغلات	۱۱
۰/۶۶	سابقه فقر	۱۲
۰/۶۷	دارایی فیزیکی	۱۳

ماخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه اگر حد آستانه را به صورت مرسوم عدد ۰/۷ در نظر گرفته می‌شد تعداد عوامل ۸ عامل می‌ماند و برای اینکه برای مرحله بعدی پژوهش که روش اولویت بندی است و از روش مارکوس استفاده شده عوامل بیشتری بماند حد آستانه ۰/۶۵ در نظر گرفته شد تا ۱۳ عامل برای اولویت بندی به مرحله بعد بروند. بعد از مرحله غربالگری عوامل با روش دلفی فازی و انتخاب ۱۳ عامل مسیر پژوهش برای اولویت بندی این ۱۳ عامل با روش مارکوس ادامه داده شد.

روش مارکوس

در این مطالعه از تکنیک مارکوس برای تحلیل و ارزیابی عوامل موثر بر فقر ذهنی استفاده شد. مارکوس یک تکنیک رتبه‌بندی بر مبنای ماتریس تصمیم است. گام‌های این تکنیک عبارتند از: گام اول، تشکیل ماتریس تصمیم: اولین مرحله در تمامی فنون تصمیم‌گیری چندشاخصه که قصدشان رتبه‌بندی می‌باشد، تشکیل ماتریس تصمیم است. در تکنیک مارکوس با بهره‌جویی از n شاخص به ارزیابی m گزینه (در اینجا کاربردهای پژوهش) پرداخته می‌شود. بنابراین به هر گزینه (در اینجا کاربردهای پژوهش) بر مبنای هر شاخص، امتیازی اختصاص داده می‌شود. در این پژوهش، خبرگان دیدگاه خود را در مورد هر پیرشان در قالب یک طیف ۱۰ تایی بیان کردند.

گام دوم، محاسبه گزینه‌های (در اینجا کاربردهای پژوهش) ایدئال و پاد-ایدئال: در این بخش بر مبنای ارتباطات زیر، مقادیر گزینه‌های ایدئال و پاد-ایدئال مشخص می‌گردد.

$$AI = \max x_{ij} \text{ if } j \in B \text{ and } \min x_{ij} \text{ if } j \in C$$

$$AAI = \min x_{ij} \text{ if } j \in B \text{ and } \max x_{ij} \text{ if } j \in C$$

گام سوم، نرمال‌سازی: در این قسمت با بهره‌جویی از روابط زیر، مقادیر ماتریس تصمیم، نرمال می‌گردند. نرمال کردن به شیوه خطی انجام شد و برای شاخص‌های افزایشی و کاهششی، شیوه نرمال‌سازی متفاوت خواهد بود.

$$n_{ij} = \frac{x_{aj}}{x_{ij}} \text{ if } j \in C$$

$$n_{ij} = \frac{x_{ij}}{x_{aj}} \text{ if } j \in B$$

گام سوم، تشکیل ماتریس نرمال موزون: با ضرب داده‌های ماتریس نرمال در وزن نظرات خبرگان، ماتریس نرمال موزون یا وزن‌دار محاسبه می‌شود.

گام پنجم، محاسبه میزان مطلوبیت گزینه‌ها (در اینجا کاربردهای پژوهش): در این بخش بر اساس ارتباطات زیر، میزان مطلوبیت ایدئال و پاد-ایدئال گزینه‌ها (در اینجا کاربردهای پژوهش) بدست می‌آید.

$$K_i^+ = \frac{S_i}{S_{ai}}$$

$$K_i^- = \frac{S_i}{S_{aai}}$$

گام ششم، تعیین عملکرد نهایی و رتبه‌بندی گزینه‌ها (در اینجا کاربردهای پژوهش): در این قسمت با بهره‌جویی از رابطه زیر، عملکرد مطلوب هر گزینه تعیین می‌شود.

$$f(k_i) = \frac{K_i^+ + K_i^-}{1 + \frac{1 - f(K_i^+)}{f(K_i^+)} + \frac{1 - f(K_i^-)}{f(K_i^-)}}$$

جدول ۶: نتایج اولویت بندی بر اساس روش مارکوس

نام عامل	اولویت هر عامل	امتیاز نهایی	f(k+)	ki-	ki+	f(k-)	si(sum)
نااطمینانی از درآمد	۹	۰/۵۷۴	۰/۷۶۶	۲/۰۱۵	۰/۶۱۶	۰/۲۳۴	۰/۶۱۶
بیکاری	۵	۰/۷۰۸	۰/۷۶۵۹۸	۲/۴۸۴	۰/۷۵۹	۰/۲۳۴۰۲	۰/۷۵۹
عوامل شخصیتی	۱	۰/۸۴۹	۰/۷۶۵۹۵	۲/۹۷۸	۰/۹۱	۰/۲۳۴۰۵	۰/۹۱

بی‌هویتی اجتماعی	۴	۰/۷۱۹	۰/۷۶۵۹۶	۲/۵۲	۰/۷۷	۰/۲۳۴۰۴	۰/۷۷
نابرابری اقتصادی	۲	۰/۸۱۲	۰/۷۶۵۹۴	۲/۸۴۷	۰/۸۷	۰/۲۳۴۰۶	۰/۸۷
دارایی فیزیکی	۱۰	۰/۵۴۸	۰/۷۶۵۹۶	۱/۹۲	۰/۵۸۷	۰/۲۳۴۰۴	۰/۵۸۷
بی‌ثباتی‌ها و شوک‌های اقتصادی ناگهانی	۸	۰/۵۷۷	۰/۷۶۵۹۷	۲/۰۲۲	۰/۶۱۸	۰/۲۳۴۰۳	۰/۶۱۸
مکان زندگی	۶	۰/۶۶۱	۰/۷۶۵۹۳	۲/۳۱۶	۰/۷۰۸	۰/۲۳۴۰۷	۰/۷۰۸
حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی آنلاین	۳	۰/۷۶۴	۰/۷۶۵۹۶	۲/۶۸	۰/۸۱۹	۰/۲۳۴۰۴	۰/۸۱۹
منطقه زندگی شهری	۷	۰/۶۴۳	۰/۷۶۵۹۹	۲/۲۵۵	۰/۶۸۹	۰/۲۳۴۰۱	۰/۶۸۹
سابقه فقر	۱۳	۰/۵۱۲	۰/۷۶۵۹۲	۱/۷۹۶	۰/۵۴۹	۰/۲۳۴۰۸	۰/۵۴۹
مالکیت املاک و مستغلات	۱۰	۰/۵۴۸	۰/۷۶۵۹۶	۱/۹۲	۰/۵۸۷	۰/۲۳۴۰۴	۰/۵۸۷
سن	۱۲	۰/۵۳۱	۰/۷۶۵۹۷	۱/۸۶۲	۰/۵۶۹	۰/۲۳۴۰۳	۰/۵۶۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج روش اولویت بندی مارکوس نشان می‌دهد که از میان این ۱۳ عامل، عوامل شخصیتی با امتیاز نهایی ۰/۸۴۹ به عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر بر فقر ذهنی شناخته شدند. عامل نابرابری اقتصادی با امتیاز ۰/۸۱۲ در رتبه دوم قرار گرفت. حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی آنلاین با امتیاز ۰/۷۶۴ در رتبه سوم قرار گرفت. بی‌هویتی اجتماعی و بیکاری به ترتیب در رتبه‌های چهارم و پنجم قرار گرفتند. سابقه فقر با امتیاز ۰/۵۱۲ کمترین اهمیت را در بین عوامل داشت.

جدول ۷: نتایج نهایی اولویت بندی با روش مارکوس

ردیف	نام عامل	امتیاز
۱	عوامل شخصیتی	۰/۸۴۹
۲	نابرابری اقتصادی	۰/۸۱۲
۳	حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی آنلاین	۰/۷۶۴
۴	بی‌هویتی اجتماعی	۰/۷۱۹
۵	بیکاری	۰/۷۰۸
۶	مکان زندگی	۰/۶۶۱
۷	منطقه زندگی شهری (بالانشین یا پایین‌نشین)	۰/۶۴۳

۰/۵۷۷	بی‌ثباتی‌ها و شوک‌های اقتصادی (ناگهانی)	۸
۰/۵۷۴	نااطمینانی از درآمد آینده	۹
۰/۵۴۸	دارایی فیزیکی	۱۰
۰/۵۴۸	مالکیت املاک و مستغلات	۱۱
۰/۵۳۱	سن	۱۲
۰/۵۱۲	سابقه فقر	۱۳

ماخذ: یافته‌های پژوهش

یافته های پژوهش:

با توجه به اولویت بندی ۱۳ عامل انتخاب شده با روش مارکوس نتایج این پژوهش در مورد عوامل موثر بر فقر ذهنی در ایران به شرح زیر می‌باشد:

عوامل شخصیتی :

یافته‌ها نشان داد که عوامل شخصیتی نقش تعیین کننده‌ای در فقر ذهنی دارند. این عوامل شامل ویژگی‌های فردی مانند قناعت ، حسادت، حرص ، اعتماد به نفس، انگیزه، امید به آینده و توانایی مقابله با چالش‌ها هستند. این نتایج نشان می‌دهد که شکل‌گیری شخصیت افراد از دوران کودکی تا بزرگسالی می‌تواند به‌طور مستقیم بر احساس فقر ذهنی تأثیر بگذارد هرچه شخص از نظر شخصیت و رفتار کامل‌تر باشد و خصوصیات شخصیتی پسندیده داشته باشد احساس فقر ذهنی کمتری می‌کند.

نابرابری اقتصادی:

نابرابری اقتصادی به‌عنوان دومین عامل مهم شناخته شد. این نتیجه نشان می‌دهد که تفاوت‌های درآمدی و ثروت در جامعه می‌تواند احساس ناامیدی و ناامنی را در افراد افزایش دهد، حتی اگر وضعیت مادی آنها نسبتاً خوب باشد این موضوع نشان می‌دهد احساس فقر در بسیاری از افراد بخاطر شرایط نابرابری و ناعدالتی در جامعه است نه صرفاً فقر عینی.

حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی آنلاین :

حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی آنلاین به‌عنوان سومین عامل مهم شناخته شد. این نتیجه نشان می‌دهد که استفاده بیش از حد از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند احساس فقر را تشدید کند. این امر به دلیل مقایسه دائمی ظاهر زندگی افراد با دیگران، دیدن خوشی‌ها و تفریحات ظاهری زندگی مردم و ایجاد احساس ناکافی بودن در آنها است .

بی‌هویتی اجتماعی :

بی‌هویتی اجتماعی در رتبه چهارم قرار گرفت. بی‌هویتی اجتماعی به معنای فقدان هویت و احساس تعلق به جامعه است، افرادی که هیچ تعلق به اجتماع، جامعه، کشور، گروه‌های سیاسی، گروه‌های اجتماعی و حتی خانواده خود ندارند فقر ذهنی را بیش از دیگر افراد احساس می‌کنند در تعریف کامل‌تری از هویت اجتماعی می‌توان گفت تمایل افراد به همزادپنداری قوی با گروه‌هایی که به آنها تعلق دارند به طوری که شخص خود را در یک گروه بداند. تا زمانی که

شخص خود را متعلق به گروه یا اجتماع یا وطن خود نداند هویت‌های اجتماعی او شکل نمی‌گیرد و نسبت به جهان اطراف، احساس تعلق نمی‌کند (Tajfel and Turner, 1979). در حقیقت هویت اجتماعی در مقابل هویت شخصی قرار می‌گیرد و به آن بخش از حس فرد از خودش اشاره دارد که از عضویت او در یک یا چند گروه اجتماعی یا سیاسی ناشی می‌شود بنابراین، در حالی که هویت شخصی، حس «من» و «خودم» را تعریف می‌کند که فرد را از دیگران متمایز می‌کند، هویت اجتماعی، خود را بر اساس «ما» و «خودمان» به گونه‌ای تعریف می‌کند که از نظر روانشناختی افراد را به سایر اعضای گروهشان متصل می‌کند. وقتی اشخاص احساس می‌کنند به یک گروه تعلق دارند، می‌توانند حداقل بخشی از حس هویت خود را از آن گروه به دست آورند. هویت اجتماعی برای توضیح پدیده‌هایی مانند درگیری‌های قومی و نژادی، تبعیض، مبارزات سیاسی و شکل‌گیری سرمایه انسانی استفاده می‌شود.

بیکاری:

هرچند بیکاری می‌تواند به واسطه نبود درآمد کافی موجب فقر عینی شود اما بیکاری از منظر فقر ذهنی یعنی شخص احساس ارزشمند بودن و مفید بودن در جامعه را ندارد و این احساس غیر از احساس نداشتن درآمد است شخص بیکار به واسطه عدم حضور در اجتماع و به نوعی طرد اجتماعی احساس فقر بیشتری نسبت به شاغلین دارد.

مکان زندگی:

مکان زندگی به واسطه افرادی که در آن مکان زندگی می‌کنند و سطح برخورداری آنان می‌تواند به فقر ذهنی دامن بزند از این رو گاهی مهاجرت یا تغییر مکان زندگی برای افراد به گسترش احساس فقر کمک می‌کند.

سابقه فقر:

سابقه فقر با امتیاز ۰/۵۱۲ کمترین اهمیت را داشت. این نتیجه نشان می‌دهد که اگرچه سابقه فقر می‌تواند بر احساس فقر ذهنی تأثیر بگذارد، اما نقش آن در مقایسه با سایر عوامل کمتر است و غالباً افراد گذشته‌ی خود را فراموش می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پژوهش حاضر در مورد شناسایی عوامل موثر بر فقر ذهنی در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. در ابتدا ۳۶ مورد از عوامل موثر بر فقر ذهنی از پیشینه و مصاحبه ساختار یافته استخراج شد بعد از آن پرسشنامه‌ها جهت غربال‌گری به روش دلفی فازی بین پانزده نفر از خبرگان توزیع شد. بعد از به دست آوردن عدد دی‌فازی شده تعداد هشت عامل بالای ۰/۷ بودند که برای اینکه دست پژوهشگران برای مرحله اولویت بندی مارکوس بازتر باشد ما حد آستانه را ۰/۶۵ قرار دادیم که تعداد پنج عامل دیگر نیز به عوامل ما اضافه شد و در مجموع ۱۳ عامل برای اولویت بندی به روش مارکوس انتخاب شدند. سپس این سیزده عامل با پرسشنامه اولویت بندی به روش مارکوس توسط تعداد ده نفر از خبرگان اولویت بندی شدند که عوامل شخصیتی، نابرابری اقتصادی و حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی آنلاین مهمترین عوامل موثر بر فقر ذهنی در ایران شدند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد یافته‌های جاویر هررا در پرو و ماداسگار در ایران نیز تأیید می‌شود به این معنا که اگر اشخاص خود را متعلق به گروه‌ها و جناح‌های سیاسی و اجتماعی بدانند و مشارکت در این زمینه‌ها داشته باشند و نسبت به اتفاقات محیط اطراف بی تفاوت نباشند کمتر دچار فقر ذهنی می‌شوند اما متأسفانه در کشورمان آمار مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی در این سال‌ها به شدت کم شده به طوریکه که آمار مشارکت سیاسی در مهمترین انتخابات ایران یعنی ریاست جمهوری به حدود پنجاه درصد رسیده که نشان از بی تفاوتی عده‌ای از مردم در تصمیمات اجتماعی و سیاسی

دارد این بی تفاوتی می تواند آذیر خطری برای فقر ذهنی باشد همچنین نتایج این پژوهش یافته های آجدونت نتا در اسرائیل را تأیید می کند که شبکه های اجتماعی نقش موثری در فقر ذهنی دارد وی معتقد بود برای حل این مشکل باید بر سرمایه اجتماعی بیشتر توجه شود از این رو توجه بیشتر بر سرمایه های اجتماعی امری ضروریست همچنین این پژوهش نتایج استرشیپوشر در مجارستان را تأیید می کند که حتی اگر شخص دچار فقر عینی هم نباشد بیکاری او را دچار فقر ذهنی می کند از این رو سیاستمداران باید بر رفع بیکاری اهتمام بیشتری بورزند.

پیشنهادهای کاربردی با توجه به اولویت بندی عوامل موثر بر فقر ذهنی به این صورت می باشد:

عوامل شخصیتی:

خانواده ها و سیستم آموزش نقش اساسی در شکل گیری شخصیت افراد دارند از این رو باید با کمک مشاوران، روانشناسان و متخصصین دین شکل گیری شخصیت را چنان درست کنند که افراد از نظر شخصیت در وضعیت سالم باشند. در این مورد نقش خانواده ها و نظام آموزشی پررنگ تر است چنانچه در تمامی مراحل آموزش، قناعت، عدم بخل و حسادت، اعتماد به نفس، عزت نفس، امید به آینده و انگیزه افراد تقویت شود و حس امید به آینده در دل های افراد جامعه زنده شود احساس فقر ذهنی کمتر می شود. در این باره لازم است سیاستگذاران آموزشی کشور، رسانه ها و فعالان اجتماعی برای اصلاح عوامل شخصیتی مخصوصا در سنین پایین اقدامات لازم را انجام دهند و بدین منظور پیشنهادهای زیر داده می شود:

طراحی برنامه ملی ارتقاء تاب آوری روانی اقتصادی با همکاری وزارتخانه های آموزش و پرورش و وزارت اقتصاد جهت افزایش تاب آوری روانی دانش آموزان

طراحی مداخله آموزشی با همکاری سازمان نظام روانشناسی و مشاوره با وزارت آموزش و پرورش جهت تقویت مؤلفه هایی مانند عزت نفس، تاب آوری، اعتماد به نفس و امید به آینده در میان نسل دانش آموزان امروزی

طراحی شاخص های ملی سنجش میزان فقر ذهنی در کشور توسط مرکز آمار ایران و بررسی مجزای این شاخص ها برای هر استان جهت برنامه ریزی در زمینه کاهش آن

ایجاد واحدهای مشاوره در مراکز خدمات اجتماعی به منظور کاهش اثرات روانی ناشی از نابرابری، بی عدالتی و تبعیض

سازمان نظام روانشناسی و مشاوره با همکاری صدا و سیما محتوایی برای خانواده های ایرانی با رویکرد تقویت اعتماد به نفس، عزت نفس، امید به آینده تولید کنند و آن در اختیار خانواده ها قرار دهند.

نابرابری اقتصادی:

ناعدالتی و نابرابری اقتصادی یکی از موارد مهم در افزایش فقر ذهنی در جامعه است از این رو باید سیاست گذاران اقتصادی با اجرای سیاست های توزیع عادلانه درآمد و ثروت تمام تلاششان را برای کاهش فاصله طبقاتی در جامعه انجام دهند زیرا هرچه عدالت در جامعه بیشتر باشد قوام و پایداری اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود.

حاکمیت باید برنامه های مدون جهت کاهش شکاف طبقاتی داشته باشد تا بتواند از فقر ذهنی در جامعه بکاهد و چند مورد از مظاهر کاهش شکاف طبقاتی می تواند همسان سازی حقوق و دستمزدها، اصلاح نظام مالیاتی و اصلاح نظام بازتوزیع درآمدی باشد که می تواند حس نابرابری اقتصادی میان مردم را کاهش دهد تا زمانی که مردم احساس کنند در کشور ناعدالتی و نابرابری است احساس و تلقی آنها از فقر بیشتر خواهد شد دولت ها باید با اجرای سیاست ها سعی کنند شاخص های عدالت را بهتر و به عنوان مثال ضریب جینی در کشور را کاهش دهند و بدین منظور پیشنهادهای زیر مطرح می شود:

اصلاح نظام مالیاتی با رویکرد مالیات بر ثروت، عایدی سرمایه، واحدهای مسکونی خالی جهت کاهش تمرکز ثروت و کاهش ضریب جینی در کشور توسط وزارت اقتصاد.

اصلاح سیاست‌های هدفمند یارانه جهت انتقال یارانه‌ها به افراد واقعاً نیازمند در کشور جهت کاهش نابرابری. همسان سازی سطح دستمزدها در دستگاه‌های اجرایی و دولتی و عمومی کشور علی‌الخصوص وزارتخانه‌های نفت و زیرمجموعه‌های آن، سازمان ملی صنایع مس و سازمان‌هایی از این قبیل که سطح دستمزد چند برابری نسبت به برخی ارگانهای دیگر مانند آموزش و پرورش دارند. کاهش نابرابری گسترده در حقوق و مزایای یک وزارتخانه بین مدیران و سایر کارمندان که منجر به افزایش نابرابری و احساس فقر ذهنی می‌شود.

شفافیت و ایجاد عدالت در پرداخت وام‌های بانکی به منظور کاهش ایجاد نابرابری میان مردم و خواص و کاهش حس نابرابری.

شبکه‌های اجتماعی آنلاین:

حضور گسترده جوانان در شبکه‌های اجتماعی و مقایسه زندگی خود با آنچه در این فضای مجازی نشان داده می‌شود قطعاً به فقر ذهنی در جامعه دامن می‌زند از این رو باید به نسل جوان آموزش مدیریت زمان و استفاده درست از شبکه‌های اجتماعی خصوصاً اینستاگرام داده شود تا شخص دچار فقر ذهنی نشود از این رو باید سیاست‌گذاران با آموزش سواد رسانه‌ای ابعاد پنهان شبکه‌های اجتماعی آنلاین را به نسل امروز بازگو کنند تا از بروز بیشتر فقر ذهنی جلوگیری شود. آنچه در این شبکه‌ها نسل امروز را درگیر کرده است احساس مقایسه باطن زندگی خود با ظواهر زندگی مردم است این حس در کنار تلاش شبکه‌های معاند در اغراق وضعیت بد کشور و اغراق وضعیت مناسب کشورهای دیگر احساس فقر ذهنی در میان مردم را بیشتر کرده است. در این خصوص انجام موارد زیر توصیه می‌شود:

تدوین چارچوب ملی سواد رسانه‌ای توسط وزارتخانه‌های ارتباطات، فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش برای آموزش عمیق سواد رسانه‌ای میان دانش‌آموزان و مردم

حمایت از توسعه پلتفرم‌های بومی با رویکرد کاهش دهنده مقایسه‌های اجتماعی توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

پایش اثرات روانی شبکه‌های اجتماعی توسط وزارت ارتباطات و سازمان نظام روانشناسی و مشاوره و انتشار گزارش سالانه در مورد سلامت روان دیجیتال.

تشویق به تولید محتواهای انگیزشی و امید به آینده، توسط بلاگرها به وسیله سیاست‌های تشویقی مانند کاهش مالیات و حمایت‌های رسانه‌ای

بی‌هویتی اجتماعی:

عدم تعلق اشخاص به هیچ کدام از گروه‌ها و جناح‌های سیاسی و حتی اجتماعی مقدمه‌ای بر بی‌هویتی اجتماعی است اینکه جوانان امروزی نسبت به جناح‌های سیاسی، حاکمیت و گروه‌های اجتماعی هیچ تعلق خاطری ندارند و هیچ حس مشترکی در اجتماع ندارند باعث می‌شود نسبت به وطن، هم‌نوعان و کشور خود احساس بی‌تفاوتی کنند و این حس بی‌تفاوتی موجب فقر ذهنی شود چیزی که در میان نسل امروز به صورت گسترده مشاهده می‌شود و این نسل به یک بی‌تفاوتی نسبت به تصمیمات محیط اطراف خودش رسیده است یعنی تا زمانی که اشخاص احساس کنند کنش‌گری اجتماعی آنها هیچ تفاوتی در سرنوشت آنها ندارند موجب انفعال و عدم تعلق به اجتماع می‌شود. ابتدا باید در آموزش به نسل امروز احساس هویت، وطن پرستی، خانواده دوستی و نوع دوستی تزریق کرد بعد از آن با گسترش فضاها و فکری،

سیاسی و اجتماعی مختلف افراد را در یکی از این گروهها عضو کرد تا تعلق خاطر به اجتماع بیشتر شود و موضوع بعدی باید حاکمیت نسبت به کنش‌گری‌های گروههای جامعه واکنش مثبت نشان دهد تا نسل امروز احساس انفعال نکند حاکمیت نباید از چند فکری چند گروهی و تضارب آرا ترسی نشان دهد و بستر را برای اظهار نظر همه مردم باز کند تا اشخاص هویت اجتماعی خود را پیدا کنند. بدین منظور پیشنهادات زیر مطرح می‌شود:

احیای برنامه‌های مشارکت مدنی دانش‌آموزان و دانشجویان مانند شوراهای دانش‌آموزی و انجمن‌های دانشجویی جهت ایجاد حس کنشگری اجتماعی در میان نسل جوان و نوجوان.

تقویت نهادهای مردم محور و مشارکت محور مانند خیریه‌ها، انجمن‌ها، مساجد محله جهت ایجاد احیای حس اجتماعی و تعلق به اجتماع در میان مردم توسط نهادهای فرهنگی و اجتماعی.

طراحی کمپین‌های ملی با شعارهایی از قبیل مسئولیت اجتماعی و وطن دوستی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما.

ایجاد مداخله آموزشی برای وارد کردن احساس تعلق اجتماعی، وطن دوستی و عدم بی تفاوتی اجتماعی در نظام آموزشی کشور توسط وزارت آموزش و پرورش.

بیکاری:

شخص بیکار ناخودآگاه به علت عدم احساس ارزشمند بودن و مفید بودن در جامعه و یا حس سربار بودن برای دیگران دچار احساس فقر ذهنی می‌شود در حقیقت شاغل بودن جدای از اینکه برای شخص درآمدی دارد که موجب می‌شود دچار اقسام عینی فقر نشود در ذهن خود و اجتماع نیز دارای ارزش و جایگاهی می‌شود که این ارزشمند بودن از دچار شدن شخص به فقر ذهنی جلوگیری می‌کند از این رو سیاست‌گذاران اقتصادی باید با ایجاد اشتغال و کارآفرینی و کاهش بیکاری به کاهش فقر ذهنی در جامعه کمک کنند. از این رو پیشنهادات زیر به دستگاههای اجرایی کشور توصیه می‌شود:

حمایت از کسب و کارهای خرد و خانگی به ویژه در مناطق محروم و مناطقی که از نظر فقر ذهنی فقیر محسوب می‌شوند توسط وزارت اقتصاد و بانک مرکزی

حمایت مادی و معنوی در زمان بیکاری غیر اختیاری توسط وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی از بیکاران جهت کاهش اثرات فقر ذهنی

پیشنهادهای پژوهشی که میتوانند این پژوهش را تکمیل کنند:

- بررسی تأثیر فرهنگ و اعتقادات دینی بر فقر ذهنی.
- مقایسه عوامل فقر ذهنی در مناطق شهری و روستایی.
- بررسی تأثیر سیاست‌های دولتی بر کاهش فقر ذهنی.
- مقایسه فقر ذهنی بین کارمندان ادارات در شهرهای صنعتی و غیر صنعتی.
- بررسی علّی و معلولی عوامل موثر بر فقر ذهنی در ایران

محدودیت‌های پژوهش:

با توجه به اینکه این پژوهش در ایران انجام شده است و این عوامل با توجه به شرایط خاص ایران مورد بررسی قرار گرفته باشند از این رو برای تعمیم به سایر کشورها محدودیت وجود دارد ضمناً در این پژوهش با روش قضاوتی خبرگان مورد نظر انتخاب شده و با نظر سنجی از خبرگان در دو مرحله روش دلفی فازی و روش مارکوس انجام شده است احتمال سوگیری در این پژوهش وجود دارد.

Ali Azin



<http://orcid.org/0009-0007-6941-0074>

Seyed Hadi Arabi



<http://orcid.org/0000-0003-2457-0529>

Mohammad Hasan Maleki



<http://orcid.org/0000-0002-3740-5402>

منابع

۱. حبیبی، حاجی ملا درویش، & راغفر. (۱۴۰۰). تأثیر فقر ذهنی بر عملکرد نیروی کار. *نظریه های کاربردی اقتصاد*, ۸(۱), ۱۶۵-۱۸۴. <https://doi.org/10.22034/econj.2021.43940.2808>
۲. سلیمانی، محمد، کیانی، مهدی، و عابدی، ایمان. (۱۳۹۸). بررسی آثار فقر ذهنی بر تلقی انسان از منافع و هزینه های باروری (رویکرد درون دینی). *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*, ۷(۱۶), ۴۹-۶۹. SID. <https://sid.ir/paper/400495/fa>
۳. سلیمانی، محمد، کیانی، مهدی، و عابدی، ایمان. (۱۳۹۸). بررسی اثرات بالقوه دین داری بر فقر ذهنی در ایران. *اقتصاد اسلامی*, ۱۹(۷۳), ۱۵۵-۱۸۱. <https://noormags.ir/view/en/articlepage/1459675>

References

4. Achdut, N., Refaeli, T., & Schwartz Tayri, T. M. (2021). Subjective poverty, material deprivation indices and psychological distress among young adults: The mediating role of social capital and usage of online social networks. *Social Indicators Research*, 158(3), 863–887. <https://doi.org/10.1007/s11205-021-02729-0>
5. Alem, Y., Köhlin, G., & Stage, J. (2014). The persistence of subjective poverty in urban Ethiopia. *World Development*, 56, 51-61. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2013.10.017>
6. Babjáková, J., Issmailová, S., & Babinčák, P. (2021). Perceived causes of poverty in the context of objective poverty, subjective poverty and selected sociodemographic variables. *Človek a spoločnosť. Internetový časopis pre pôvodné teoretické a výskumné štúdie z oblasti spoločenských vied*, 1(24), 1-17. <https://doi.org/10.31577/cas.2021.01.581>
7. Baldini, M., Peragine, V., & Silvestri, L. (2018). Quality of government and subjective poverty in Europe. *CESifo Economic Studies*, 64(3), 371-395. <https://doi.org/10.1093/cesifo/ix023>
8. Bray, R., de Laat, M., Godinot, X., Ugarte, A., & Walker, R. (2020). Realising poverty in all its dimensions: A six-country participatory study. *World Development*, 134, 105025. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2020.105025>
9. Buttler, F. (2013). What determines subjective poverty. An Evaluation of the Link between Relative Income Poverty Measures and Subjective Economic Stress within the EU, Horizontal Europeanization, Oldenburg: *DFG Research Unit*. [https:// www. horizontal-](https://www.horizontal-)

européanization. eu/downloads/preprints/PP_HoEu_2013-01_ buttler_subjective_poverty_0.pdf.

10. Chan, S. M., & Wong, H. (2020). Impact of income, deprivation and social exclusion on subjective poverty: A structural equation model of multidimensional poverty in Hong Kong. *Social Indicators Research*, 152(3), 971-990. <https://doi.org/10.1007/s11205-020-02476-8>
11. Chang, Q., Peng, C., Guo, Y., Cai, Z., & Yip, P. S. (2020). Mechanisms connecting objective and subjective poverty to mental health: Serial mediation roles of negative life events and social support. *Social science & medicine*, 265, 113308. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2020.113308>
12. Chen, K. M. (2020). Subjective poverty, deprivation, and the subjective well-being of children and young people: A multilevel growth curve analysis in Taiwan. *Children and Youth Services Review*, 114, 105045. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105045>
13. Chan, S. M., & Wong, H. (2020). Impact of income, deprivation and social exclusion on subjective poverty: A structural equation model of multidimensional poverty in Hong Kong. *Social Indicators Research*, 152(3), 971-990. <https://doi.org/10.1007/s11205-020-02476-8>
14. Dartanto, T., & Otsubo, S. (2013). Measurements and determinants of multifaceted poverty: Absolute, relative, and subjective poverty in Indonesia. *JICA Research Institute Working Paper No. 54* https://www.jica.go.jp/jica-ri/publication/workingpaper/wp_54.html?utm_source=chatgpt.com
15. Decerf, B. M. A. (2022). *Absolute and Relative Poverty Measurement: A Survey (Policy Research Working Paper No. 10008)*. World Bank. Available at: <https://openknowledge.worldbank.org/bitstreams/09c98fee-d54b-58d6-be1f-bc11defc6172/download>
16. Diallo, M. A. (2022). Subjective poverty and migration intention abroad: The case of Senegal. *African Development Review*, 34(3), 410-424. <https://doi.org/10.1111/1467-8268.12658>
17. Duvoux, N., & Papuchon, A. (2019). Subjective poverty as perceived lasting social insecurity: lessons from a French survey on poverty, inequality and the welfare state (2015-2018). <https://doi.org/10.2139/ssrn.3465214>
18. García-Carro, B., & Sánchez-Sellero, M. C. (2019). Measurement and spatial localisation of subjective poverty in Spain. *Revista Española de Investigaciones Sociológicas*, 165, 83-100. <https://doi.org/10.5477/cis/reis.165.83>
19. Gross-Manos, D., & Massarwi, A. A. (2022). Material deprivation and subjective poverty association with subjective well-being reported by children: Religiosity as a protective factor. *American Journal of Orthopsychiatry*, 92(5), 622. <https://doi.org/10.1037/ort0000631>
20. Habibi, A., Jahantigh, F. F., & Sarafrazi, A. (2015). Fuzzy Delphi technique for forecasting and screening items. *Asian Journal of Research in Business Economics and Management*, 5(2), 130-143. <https://doi.org/10.5958/2249-7307.2015.00036.5>
21. Herrera, J., Razafindrakoto, M., & Roubaud, F. (2006). The determinants of subjective poverty: A comparative analysis in Madagascar and Peru. *DIAL (Développement, Institutions & Analyses de Long terme)*. No DT/2006/01, Paris France. https://dial.ird.fr/wp-content/uploads/2021/12/2006-01_english.pdf?utm_source=chatgpt.com

22. Homonchuk, O. (2024). Ukraine's poor majority: Exploring the driving factors of subjective poverty. *International Journal of Social Welfare*, 33(2), 341-354.
<https://doi.org/10.1111/ijsw.12577>
23. Lee, K., & Zhang, L. (2022). Cumulative effects of poverty on children's social-emotional development: Absolute poverty and relative poverty. *Community mental health journal*, 58(5), 930-943. <https://doi.org/10.1007/s10597-021-00901-x>
24. Li, Y., Chen, T., Li, Q., & Jiang, L. (2023). The impact of subjective poverty on the mental health of the elderly in China: the mediating role of social capital. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 20(17), 6672.
<https://doi.org/10.3390/ijerph20176672>
25. Łuczak, A., & Kalinowski, S. (2022). A multidimensional comparative analysis of poverty statuses in European Union countries. *International Journal of Economic Sciences*, 11(1), 146-160. <https://doi.org/10.20472/IES.2022.11.1.010>
26. Mahmood, T., Yu, X., & Klasen, S. (2019). Do the poor really feel poor? Comparing objective poverty with subjective poverty in Pakistan. *Social Indicators Research*, 142, 543-580. <https://doi.org/10.1007/s11205-018-1921-4>
27. Marks, G. N. (2007). Income poverty, subjective poverty and financial stress. *Australian Government Social Policy Research Paper*, (29). <https://ssrn.com/abstract=1728587>
28. Nandori, E. S. (2024). Objective and subjective poverty. In *Encyclopedia of quality of life and well-being research* (pp. 4771-4775). Cham: Springer International Publishing.
https://doi.org/10.1007/978-94-007-0753-5_3779
29. Ravallion, M. (2020). On measuring global poverty. *Annual Review of Economics*, 12(1), 167-188. <https://doi.org/10.1146/annurev-economics-081919-022924>
30. Samiyeva, G. T. (2022). Concepts of poverty, inequality and social exclusion. *International Journal on Economics, Finance and Sustainable Development*, 4(3), 122-126.
<https://doi.org/10.31149/ijefsd.v4i3.2877>
31. Sen, A. (2014). Development as freedom (1999). *The globalization and development reader: Perspectives on development and global change*, 525.
32. Simon, H. A. (1957). Models of man: social and rational; *mathematical essays on rational human behavior in society setting*. Wiley.
33. Siposné Nándori, E. (2011). Subjective poverty and its relation to objective poverty concepts in Hungary. *Social indicators research*, 102, 537-556. <https://doi.org/10.1007/s11205-010-9743-z>
34. Tajfel H, Turner JC: An integrative theory of intergroup conflict. In *The social psychology of intergroup relations*. Edited by Austin WG, Worchel S, Brooks/Cole; 1979:33–47.
35. Tang, K., Li, Z., & He, C. (2023). Spatial distribution pattern and influencing factors of relative poverty in rural China. *Innovation and Green Development*, 2(1), 100030.
<https://doi.org/10.1016/j.iged.2022.100030>
36. Wang, H., Zhao, Q., Bai, Y., Zhang, L., & Yu, X. (2020). Poverty and subjective poverty in rural China. *Social Indicators Research*, 150, 219-242. <https://doi.org/10.1007/s11205-020-02303-0>
37. Zulkifli, F., & Abidin, R. Z. (2023). The Multi-Dimensional Nature of Poverty: A Review of Contemporary Research. *International Journal of Academic Research in Economics and Management Sciences*, 12(2). <https://doi.org/10.6007/IJAREMS/v12-i2/17260>